



تلاش جمهوری اسلامی برای تقویت ارتجاع حاکم بر عراق

جرقه ای که در مهاباد به حریق تبدیل شد

کشته شدن یک جوان ساکن مهاباد به نام شوانه سیدقادی، روز ۱۸ تیر، همچون جرقه ای شهر مهاباد را شعله ور کرد و موجب شد که اعتراضات گسترده‌ای در این شهر کردستان شکل بگیرد که تا اوایل مرداد همچنان ادامه داشتند.

رسانه‌های جمهوری اسلامی و دیگر رسانه‌هایی که به هر دلیلی کمابیش در تداوم حکومت کنونی ذی نفع هستند در ابتدا کوشیدند حوادث مهاباد را با منعکس نکنند یا آن را در سایه‌ی رویدادهای کم‌اهمیت‌تر دیگری قرار دهند. اما تداوم اعتراضات مردم مهاباد که به چند شهر دیگر از جمله پیرانشهر، مریوان، بوکان و سردهشت هم کشیده شد و با حکومت نظامی اعلام‌نشده‌ای در مهاباد همراه گردید سرانجام آن‌ها را مجبور کرد تا به نوعی به تخطئه‌ی این اعتراضات و توجیه جنایت تازه‌ی جمهوری اسلامی بپردازند.

موضوع از این قرار است که نیروی انتظامی جمهوری اسلامی برای دستگیری جوانی گسیل می‌شوند. ظاهراً وی در برابر بازداشت خود مقاومت می‌کند و سپس مأموران به سوی وی شلیک می‌نمایند، اما وی کشته نمی‌شود. در حالی که مسئولان جمهوری اسلامی مدعی هستند که شوانه در راه بیمارستان جان باخته است، عکس‌هایی که از او در تارنماهای اینترنتی منتشر شده اند اثرات شکنجه بر بدنش را نشان می‌دهند. مقامات و مسئولان جمهوری اسلامی، از رئیس دادگستری استان آذربایجان غربی گرفته تا فرماندهان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی مدعی می‌شوند که این عکس‌ها جعلی، مونتاژ شده یا در نهایت اثرات کالبدشکافی بر بدن شوانه را نشان می‌دهند، در حالی که بنابر منابع غیرحکومتی بدن نیمه جان شوانه پس از شلیک گلوله روی زمین کشیده اند یا در مکان دیگری شکنجه کرده اند و همین موجب مرگش گشته است.

در رابطه با کشتن وحشیانه ای شوانه سیدقادی اظهارات رئیس دادگستری استان آذربایجان غربی که روز ۲ مرداد در جمع خبرنگاران ابراز شد، در

در صفحه ۳

ابراهیم جعفری نخست وزیر عراق هفته پیش در راس یک هیات ۷۲ نفره از وزراء، مقامات و مسئولان عراق به ایران سفر کرد. وی در این سفر سه روزه به دیدار خامنه‌ای شتافت و با خاتمی، احمدی نژاد، حداد عادل رئیس مجلس، شاهرودی رئیس قوه قضائیه و هاشمی رفسنجانی نیز دیدار کرد. ماحصل این سفر امضای چند تفاهم‌نامه اقتصادی، بازرگانی، امنیتی و سیاسی میان جمهوری اسلامی و دولت دست‌نشانده عراق بود. همچنین جمهوری اسلامی تقبل کرد که وامی به میزان یک میلیارد دلار به عراق بپردازد.

از میان قراردادهای اقتصادی و بازرگانی منعقد شده میان دو طرف می‌توان به تعهد ایران به تامین یک کارخانه خودروسازی در عراق، کمک به بازسازی شبکه برق و راه آهن این کشور، . . . در جهت ایجاد یک فرودگاه در غرب و صدور فرآورده‌های متنوعی از جمله آرد، سیمان، فولاد، محصولات پتروشیمی و انواع خودرو به عراق اشاره کرد.

مهمترین نکته قرارداد اقتصادی مربوط به بخش صنعت نفت است. طبق این قرارداد عراق روزانه ۱۵۰ هزار بشکه نفت به ایران منتقل می‌کند و در مقابل بنزین، نفت سفید و سایر فرآورده‌های نفتی دریافت خواهد کرد. بیژن نامدار زنگنه وزیر نفت جمهوری اسلامی در این رابطه گفت: "خطوط لوله نفت ایران-عراق تا یک سال دیگر راه اندازی خواهد شد. قرار است نفت از بصره به پالایشگاه آبادان منتقل شود و فرآورده‌های نفتی حاصل به بصره انتقال یابد." همچنین ایران به نوسازی صنایع نفت عراق کمک می‌کند و بخشی از ظرفیت شرکت پشتیبانی، ساخت و تهیه کالاهای نفتی تهران برای تامین تجهیزات و کالاهای مورد نیاز صنعت نفت عراق به کار گرفته می‌شود.

ابراهیم جعفری نخست وزیر عراق و هیات همراهش به گرمی مورد استقبال سران جمهوری اسلامی قرار گرفتند، چندین قرارداد اقتصادی-امنیتی،

در صفحه ۲

از میان نشریات ژورنالیسم و خیال‌بافی ۵

مبارزه طبقاتی ورهائی زنان (۵۳)

در این شماره نشریه کار، ترجمه بخش نخست فصل دیگری از کتاب "مبارزه طبقاتی و رهائی زنان" اثر تونی کلیف را می‌خوانید. یک بار دیگر توضیح این نکته را ضروری می‌دانیم که ترجمه فصل‌هایی از این کتاب در نشریه کار الزاماً به معنای تایید تمام نظرات نویسنده به ویژه تحلیل‌ها و اظهار نظرهای وی نیست.

ریشه‌های طبقاتی جنبش زنان

همان گونه که قبلاً مشاهده کردیم، فعالین جنبش‌های زنان در ایالات متحده آمریکا و بریتانیا عمدتاً دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و پلی‌تکنیک‌ها بودند. اکثر فارغ‌التحصیلان دانشگاه و پلی‌تکنیک‌ها بعدها به کارگران بقیه سفید تبدیل خواهند شد.

بسیاری، معلم و استاد و تنها برخی از آن‌ها، مدیر یا رئیس دپارتمان خواهند شد. این گروه اخیر به طبقه متوسط جدید تعلق دارند. در اصطلاحات مارکسیستی، آن‌ها بخشی از خرده‌بورژوازی، طبقه‌ی مابین دو طبقه اصلی جامعه سرمایه‌داری، یعنی طبقه کارگر و طبقه سرمایه‌دار، هستند.

از نظر مارکس، خرده‌بورژوازی یک نابهنگام تاریخی و محکوم به فنا بود. او نوشت:

«دوران ما، دوران بورژوازی... آنتاگونیسم‌های طبقاتی را ساده کرده است. جامعه در کل هر چه بیشتر به دو اردوگاه بزرگ متخاصم، به دو طبقه‌ای که مستقیماً رویاروی یکدیگر قرار دارند، به طبقه بورژوازی و طبقه پروولتاریا تبدیل می‌شود.»

در این شماره

- ۲ اخباری از ایران
- ۴ اخبار کارگری جهان
- خلاصه‌ای از اطلاعاتی‌ها
- ۷ و بیانیه‌های سازمان

اخباری از ایران

تحصن کارگران شهرداری "اروندکنار"

۸۰ نفر از کارگران و کارمندان شهرداری "اروندکنار" در استان خوزستان در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات معوقه دست از کار کشیده و در مقابل شهرداری تجمع اعتراضی برگزار کردند. کارگران فوق ۳ ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند.

تحصن کارمندان بهداشت محیط

جمعی از کارمندان بهداشت محیط در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته های شان در مقابل وزارت بهداشت حکومت اسلامی تحصن کردند. این کارکنان به وجود تبعیض بین کارمندان وزارت بهداشت و عدم افزایش حقوق کارکنان بهداشت محیط اعتراض کردند.

تجمع کارگران چیت سازی به شهر

کارگران چیت سازی به شهر ۲۵ تیرماه در مقابل دفتر نماینده مجلس در این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند. ۴۴۰ کارگر این کارخانه، از ۴ سال قبل و به دنبال تعطیلی کارخانه مطالبات و مزایای معوقه خود را دریافت نکرده اند در این مدت کارگران جمعیت متعددی را برگزار کرده اند که تاکنون به حقوق خود نرسیده اند.

اعتصاب کارگران کوره پزخانه

به دنبال اعتصاب کارگران کوره پزخانه های منطقه خدابنده "ازنجان" برای افزایش دستمزد در روزهای ۲۳ و ۲۴ تیرماه، کارفرمایان کوره پزخانه ها با افزایش دستمزد موافقت کردند.

اعتصاب خبازان

اتحادیه خبازی های ایران، پس از مذاکرات این اتحادیه با وزارت کشور و عدم توافق بر سر خواسته های کارگران، با صدور اطلاعیه ای خواستار اعتصاب نیمه وقت کارگران خباز شد. کارگران خباز به وضعیت حقوقی و بیمه ای خود اعتراض دارند.

حرکت اعتراضی کارگران "شیشه میرال"

بیش از ۱۷۰ کارگر کارخانه "شیشه میرال" که بیش از ۹ ماه اضافه کار و ۵ ماه حقوق دریافت نکرده اند، با آتش زدن لاستیک و ایجاد موانع، جاده ساوه در تقاطع چهارراه یافت آباد را بستند. کارگران در این اعتراض که از ساعت ۸ صبح شروع شد، پس از ایجاد موانع در عرض جاده ساوه به وسط خیابان آمده و با نشستن در کف خیابان مانع از رفت و آمد خودروها شدند. بسیاری از کارگران این کارخانه از ترس صاحبخانه شب ها را در پارک ها می گذرانند. مجید اکبرزاده که دو روز قبل در مقابل درب ورودی کارخانه رگ های دست و گردنش را به

سیاسی و بازرگانی امضا کردند و با دست پر به عراق برگشتند. اگرچه بنا برمنطق حاکم بر روابط دول بورژوازی که همان دیپلماسی سری است، فقط نکاتی از قراردادها در وسائل ارتباط جمعی نقل شده اما در این حد روشن است که جمهوری اسلامی علاوه برتامین نیازهای دولت دست نشانده عراق از آرد و آب گرفته نابرق و بزمین و انواع خودرو، یک میلیارد دلار هم علی الحساب به مرتجعین حاکم بر عراق خواهد پرداخت. علاوه بر این، از اظهارات ابراهیم جعفری در مصاحبه بانشریات عربی زبان و اخبار جسته و گریخته چنین بر می آید که سران جمهوری اسلامی از دعاوی خویش در رابطه با غرامت جنگی دست برداشته اند. بذل و بخشش سران جمهوری اسلامی به سران دولت عراق یک نمونه از سیاست های ارتجاعی این رژیم است که طی بیست و هفت سال حاکمیت آن در عرصه سیاست های داخلی و خارجی رژیم خود را نشان داده است. رژیم جمهوری اسلامی طی سال های سیاه حاکمیت اش میلیاردها دلار از ماحصل فروش منابع طبیعی کشور، و ماحصل دسترنج کارگران و زحمتکشان را در جهت حفظ منافع سیاسی خویش صرف سازماندهی جریانات ارتجاعی اسلامی کرده است. در شرایطی که میلیون ها نفر از مردم محروم ایران از تامین حداقل زندگی خود ناتوانند، بیکاری و فقر و مصائب اجتماعی ناشی از آن بیداد می کند، بذل و بخشش به جریانات ارتجاعی اسلامی یک پای سیاست جمهوری اسلامی است. این امر در جریان حمایت جمهوری اسلامی از جریانات ارتجاعی لبنان، افغانستان و عراق خود را آشکارا نشان داده است. طی دو سال ونیمی که از اشغال عراق توسط امپریالیسم آمریکا و متحدانش می گذرد، جمهوری اسلامی نهایت تلاش خود را به کار گرفت از این شرایط بهره برداری سیاسی کند. جریانات ارتجاعی اسلامگرای عراقی وابسته به جمهوری اسلامی به شدت تقویت شده اند و عاملین مستقیم پیشبرد اهداف حکومت اسلامی در عراق هستند. هم اکنون مرتجعین طرفدار جمهوری اسلامی اکثریت پارلمان عراق را تشکیل می دهند. از سوی دیگر رهبران جریانات ناسیونالیست کرد که از سال های گذشته روابط بسیار نزدیکی باجمهوری اسلامی دارند، به طور آشکار و پنهان، با سیاست گروههای وابسته به جمهوری اسلامی همسو هستند. طی چند هفته آینده قرار است قانون اساسی عراق تهیه و منتشر شود و در اکتبر امسال به همه بررسی گذارده شود. همه ی شواهد حاکی است که این قانون اساسی بر مبنای احکام شریعت تدوین شده است. مناسب است که به سخنان جلال طالبانی رئیس جمهور عراق اشاره شود. او در مصاحبه با نشریه اشپگل در پاسخ این سؤال که بسیاری از عراقی ها نگرانند یک دولت مذهبی و قوانین اسلامی در عراق حاکم شوند، آیا قانون اساسی عراق اسلامی خواهد بود گفت: "عراق هرگز یک کشور اسلامگرا نخواهد شد. عراق یک کشور سکولار نیز نخواهد شد. چون این به معنای جدایی کامل دین از دولت خواهد بود. ما اسلام را دین رسمی کشور می دانیم و شریعت هم منبع قوانین ما خواهد بود." به گفته آقای طالبانی عراق یک کشور اسلامگرا نخواهد

قصد خودکشی قطع کرده بود، با سر و دست باند پیچی شده در آن جا حاضر بود و گفت: ۵ ماه است که کرایه خانه نداده ام و برق خانه ام قطع است و زن و فرزندم در تاریکی به سر می برند و چون کارد به استخوانم رسیده بود، اقدام به خودکشی کردم. وی در حالی که فریاد می زد از زندگی خسته شده ام گفت: اگر تا دو روز آینده حقوقم را نپردازند، در مقابل دفتر ریاست جمهوری خودکشی می کنم.

غلامرضا دوستی کارگر دیگری که دست به خودسوزی زده بود، گفت: توان پرداخت هزینه های خانواده ام را ندارم و برای این که به خانواده ام ثابت کنم که کوتاهی از جانب مدیران است، خودسوزی کرده ام.

یکی دیگر از کارگران نیز که برای ثبت نام فرزند ۷ ساله اش به مدرسه رفته بود، گفت: برای ثبت نام فرزندم مدیر مدرسه ۳ هزار تومان پول از من خواست که من چون نداشتم گفت برو هر وقت حقوق گرفتی برای ثبت نام فرزندت مراجعه کن.

کارگران تهدید کردند در صورت نرسیدن به خواسته های خود اقدامات دیگری خواهند کرد.

اعتصاب کارکنان اتوبوس رانی کرمانشاه

کارکنان شرکت اتوبوس رانی کرمانشاه روز اول مرداد در اعتراض به عدم پرداخت اضافه کاری، حق لباس و نوبت کاری دست به اعتصاب زده و در محل موتوروی شرکت تحصن کردند.

اعلامیه جمعی از کارگران ایران خودرو

جمعی از کارگران ایران خودرو با انتشار اعلامیه ای نقش فریبکارانه ی خانه کارگر در اعلام ۲ ساعت اعتصاب به مناسبت ۲۵ تیر روز تامین اجتماعی در کارخانجات را افتاء کرده و نوشتند: ما کارگران اجازه نخواهیم داد خانه کارگر بر اعتراضات ما کارگران سوار شده و در جلو آن بایستد. ما کارگران همچون روز جهانی کارگر به خانه کارگر نشان خواهیم داد که دیگر کارگران ایران فریب شما را نخواهند خورد چون شما با کار خود به ما ثابت کردید که از چه کسانی حمایت می کنید.

در ادامه این اعلامیه آمده است: روز بیست و پنجم تیر را به اعتراض علیه کارشکنی های سازمان تامین اجتماعی، اعتراض علیه عدم اجرای بازنشستگی پیش از موعد، اعتراض علیه بخشنامه زمان سربازی، اعتراض علیه کارشکنی در مورد بازنشستگی نوسازی صنایع، اعتراض علیه حمله کنندگان به سندیکای کارگران شرکت واحد، اعتراض علیه حمله به کارگران معترض به خصوص به کارگران ایرفو، اعتراض علیه تمام اخراج ها و

ارتجاعی جمهوری اسلامی به دولت عراق از چه روست. جمهوری اسلامی و دراس آن خمینی مرتجع جنگی هشت ساله را به توده های مردم ایران تحمیل نمود. سران جمهوری اسلامی برای آن که جنگ ارتجاعی را موجه جلوه دهند، دولت عراق را مسبب جنگ و ویرانی ناشی از آن معرفی کرده و ۱۰۰۰ میلیارد دلار غرامت جنگی طلب می کردند. امروز ضرورت حمایت از دولت عراق ایجاب می کند که تمام آن دعاوی شان را کنار نهند. چرا که نفع ارتجاع اسلامی حاکم بر ایران تقویت دولت دست نشانده عراق و گسترش نفوذ دستجات وابسته به جمهوری اسلامی در این کشور است.

شد ولی اسلام مذهب رسمی و شریعت منبع الهام قوانین این کشور خواهد بود. در همین مصاحبه، طالبانی در پاسخ خبرنگار که به کشتن هنرمندان، موسیقی دانان و آرایشگران در بغداد توسط نیروهای اسلامگرا اشاره می کند که چون فعالیت شان غیر شرعی قلمداد می شود، توسط اسلامگرایان به قتل می رسند و همچنین سیل عراقیان تحصیل کرده که به سبب شرایط جاری عراق را ترک می کنند، می گوید در دوران حاکمیت صدام تعداد بیشتری عراق را ترک می کردند!

بنابراین روشن است که بذل و بخشش رژیم

بیکارسازی ها و اعتراض علیه پیمانکاری و قراردادهای موقت اعلام خواهیم کرد.

اعتصاب کارگران ایران خودرو

بر اساس اطلاعات منتشره از سوی جمعی از کارگران ایران خودرو، کارگران این کارخانه در روز ۲۵ تیر به مناسبت روز تامین اجتماعی دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب از بخش مونتاژ پژو که اکثر کارگران آن رسمی و قراردادی هستند، آغاز شد و در ساعت ۱۱ صبح خطوط تولید در سالن "شاتل" کاملاً متوقف شد.

در قطعنامه ای که به مناسبت این اعتصاب از سوی کارگران ایران خودرو منتشر شد به ترکیب شورای عالی کار و حضور نماینده خانه کارگر در آن شورا اعتراض شده و خواستار حداقل حقوق ۲۵۰۰۰۰ تومان برای کارگران شدند. در این قطعنامه به وجود شرکت های پیمانکاری اعتراض شده و از قراردادهای موقت به نام "برده داری نوین" نام برده شد.

کارگران ایران خودرو در این قطعنامه به عملکرد سازمان تامین اجتماعی در مورد بازنشستگان اعتراض کرده و خواستار اجرای قانون بازنشستگی کارگران با احتساب سربازی و پرداخت سهم کارگر توسط دولت شدند.

در این قطعنامه ضمن دفاع از امنیت شغلی کارگران با اعتراض به اخراج کارگران به خصوص کارگران خط تولید پیکان خواستار بازگشت کارگران اخراجی خط ریخته گری و کارگران اخراجی ایران خودرو دیزل شدند.

این قطعنامه هم چنین با یاد کارگران جانباخته در اثر ناامنی در محیط کار، خواستار برقراری محیط امن و سالم برای کارگران شد و از مبارزه برحق تمام کارگران ایران برای افزایش دستمزدها، مقابله با بیکارسازی ها و ایجاد تشکل های کارگری حمایت شد.

در روز ۲۵ تیر، سال روز تامین اجتماعی، در برخی از کارخانجات دیگر نیز اعتصاباتي برگزار شد که خانه کارگر با پیش بینی اقدام احتمالی کارگران، دست پیش گرفته و اعلام ۲ ساعت اعتصاب در این روز (بین ساعت های ۱۲ تا ۲ بعدازظهر) کرده بود.

تجمع کارگران "نخ رنگ"

بیش از ۵۰ تن از کارگران شرکت "نخ رنگ" همدان که سه ماه حقوق دریافت نکرده اند در اعتراض به کم توجهی کارفرما روز ۲۱ تیر در مقابل استانداری، اداره کار و سازمان صنایع و معادن استان تجمع کردند. کارگران در شرایطی ۳ ماه حقوق نگرفته اند که گفته می شود این کارخانه یکی از واحدهای تولیدی نمونه استان بوده است.

اخراج فعالین سندیکایی

۱۷ نفر از اعضای سندیکای کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از جمله رئیس و اعضای هیات مدیره و دبیر سندیکا که همگی از فعالین و موسسین این تشکل کارگری بوده و از کارکنان و کارگران با سابقه شرکت واحد هستند، به دلیل فعالیت سندیکایی از شرکت واحد اخراج شدند.

حرکت اعتراضی کارگران "بهمن پلاستیک"

کارگران کارخانه بهمین پلاستیک در تاریخ ۳ مرداد با ایجاد موانع و آتش زدن لاستیک ۴۵

از - ۴۵۰۰ کارگر شرکت کشت و صنعت "مغان" تاکنون ۱۱۵۰ کارگر اخراج شده و اخراج ۱۴۰۰ کارگر دیگر در دستور قرار دارد. همچنین شرکت های پیمانکاری "سبلان قدرت" و "مهران مغان" که با شرکت کشت و صنعت مغان طرف قرارداد هستند، اخیراً ۳۵۰ کارگر را به بهانه های مختلف اخراج کرده اند.

- کارگران شرکت "پوشینه بافت" قزوین ۳ ماه است که حقوق نگرفته اند. این کارخانه که در گذشته ۲۰۰۰ کارگر داشت اکنون ۷۰۰ کارگر دارد و ۱۹۰ کارگر این شرکت با وجود ۲۵ سال سابقه کار بلا تکلیف هستند.

- ۱۶۰ کارگر شرکت "زرساب" ساوه که در تولید آلومینیوم فعالیت می کرد، به دلیل تعطیلی شرکت از کار بیکار شدند.

- از ۶۰۰ کارگر شرکت "قدس پلاستیک" قزوین تنها ۸۰ نفر بر سر کارشان باقی مانده اند. از ابتدای سال جاری به دلایل مختلف ۱۵۰ نفر از کارگران این شرکت بیکار شدند.

در صفحه ۷

از صفحه ۱ جرقه ای که در مهاباد به حریق تبدیل شد

کردستان مانند سراسر ایران شکست خورد. مردم مهاباد روزهای پی در پی علیه کشتن وحشیانه ی شوانه سیدقادی اعتراض کردند، تجمع نمودند و حتی پس از برقراری یک حکومت نظامی اعلام نشده و اعزام نیروهای ضدشورش از دیگر شهرها همچون تهران، کرمان، ارومیه و میاندوآب، دست به اعتصاب عمومی زدند. در این میان نه فقط مسئولان جمهوری اسلامی و رسانه های وابسته به آن با دروغ پردازی و ریاکاری سعی کردند اعتراضات برحق مردم مهاباد را به عده ای آشوب طلب منسوب کنند که برخی از دیگر رسانه ها و افراد برون حکومتی تلاش کردند این اعتراضات را «قومی» جلوه دهند. آن ها هم در تلاش خود شکست خوردند.

آن ها چگونه می توانند شعارهایی همچون «مرگ بر جمهوری اسلامی» یا «ما این رئیس جمهور را نمی خواهیم» قومی جلوه دهند؟ این درست است که رژیم جمهوری اسلامی مانند رژیم پیشین همواره به مطالبات ملی مردم کردستان و دیگر ملیت های ساکن ایران با سرب داغ و بی اعتنائی پاسخ گفته است، اما این هم واقعیتی ست که اعتراضات اخیر مردم مهاباد و دیگر شهرهای کردستان مشخصاً در اعتراض به سرکوبگری رژیم جمهوری اسلامی شکل گرفتند.

رژیم جمهوری اسلامی از دهان مسئولانش اعتراف کرده است که در اعتراضات پس از کشته شدن شوانه سیدقادی ده ها نفر را دستگیر کرده است. همین مسئولان می گویند که لاقال ۱۸ تن از دستگیرشدگان کماکان در بازداشت به سر می برند و باید در انتظار محاکمه باشند. تمام کسانی که در اعتراضات مردمی مهاباد و دیگر شهرهای کردستان در روزهای اخیر دستگیر شده اند باید فوراً و بدون هیچ قید و شرطی آزاد گردند. مردمی که علیه زور و سرکوب و فقر قیام می کنند نباید محاکمه شوند، این جمهوری اسلامی و تمام سران جنایتکارش است که باید برای بیست و هفت سال قتل و غارت و جنایات بی شمار، در دادگاه های مردمی محاکمه شوند و به جرم جنایت علیه بشریت مجازات گردند.

متری ززند را بسته و مانع عبور و مرور خودروها شدند. کارگران فوق یک سال است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند و به همین دلیل بارها اقدام به تجمع اعتراضی در مقابل مجلس، وزارت کار و سایر نهادهای دولتی کرده بودند که هرگز از این اقدامات نتیجه ای نگرفتند. کارگران بهمین پلاستیک پیش از این نیز اقدام به تجمع در مقابل کارخانه و بستن خیابان کرده بودند.

بیکارسازی کارگران

- از مجموع ۲۱ واحد صنایع نساجی شهر صنعتی ساوه ۴۰ درصد به طور کلی تعطیل، ۳۰ درصد نیمه فعال و ۳۰ درصد بقیه نسبتاً فعال هستند. بسیاری از کارگران بیکار شده قراردادی بوده و پس از اخراج فاقد هرگونه حقوق بیکاری و مزایای دیگر هستند.

- در پی توقف خط تولید پیکان، از ۱۸ کارخانه تولید قطعات پیکان در شهرستان پاکدشت، ۱۵ کارخانه تعطیل شدند و ۳ هزار کارگر این واحدها بیکار شدند.

خور توجه ویژه ای ست. وی که اکبر فیض نام دارد، می گوید که شوانه دارای ۸ مورد سابقه ارتکاب به جرم بوده است و به همین دلیل مدت ها تحت تعقیب قرار داشته است. اکبر فیض در عین حال گزارش های دیگر مبنی بر فعالیت های سیاسی شوانه را تکذیب نمی کند و می افزاید که «این منتهم دارای مسائل گروهکی» نیز بوده و به این علت هم طبق معمول تحت تعقیب بوده است. رئیس دانشگاه آذربایجان غربی سپس ادامه می دهد که مأموران انتظامی مسلح به سلاح گرم با مقاومت شوانه مسلح به اسلحه سرد روبه رو می شوند و برای «دفاع از خود به وی تیراندازی می کنند».

اظهارات اکبر فیض به تنهایی نشانگر این واقعیت هستند که نیروی انتظامی جمهوری اسلامی به چه سادگی در روز روشن آدم می کشد و سپس هر گونه اعتراض دیگری را نیز به شدت سرکوب می کند. چه شوانه سیدقادی دارای ۸ فقره سابقه ارتکاب به جرم از قبیل قاچاق یا هر مورد دیگری بوده باشد، چه در فعالیت های سیاسی از قبیل افشای نمایش انتخاباتی ریاست جمهوری شرکت داشته است، چرا باید مأموران انتظامی این حق را داشته باشند که مقاومت وی را برای دستگیری به وسیله ی شلیک گلوله پاسخ دهند و آن گاه وی را در راه بیمارستان یا زیر شکنجه به قتل برسانند؟ پاسخ به این سوال بسیار آسان است: رژیم جمهوری اسلامی سیاستی جزکشتار، ایجاد رعب و وحشت ندارد. روزی یک جوان ۲۵ ساله را به بهانه ی واهی مقاومت در مقابل دستگیری اش در مهاباد می کشد، روز دیگری دو نوجوان را به جرم «لواط» و غیره در ملاء عام در مشهد اعدام می کند و اصلاً هم اهمیتی نمی دهد که یکی از آنان به گفته ی وکلش زیر ۱۸ سال سن داشته است. جمهوری اسلامی حکومت مرگ و نیستی ست، خونخوار است.

صرف نظر از اتهامات شوانه سیدقادی که جمهوری اسلامی برای توجیه کشتنش مطرح می کند، این حکومت بار دیگر در تلاشش برای گسترش جو رعب و وحشت در مهاباد و



تظاهرات کارگران و زحمتکشان در فیلیپین

اوضاع اقتصادی و سیاسی در فیلیپین وخیم است. بیکاری و فقر هر روز گسترش یافته و تعداد هر چه بیشتری از کارگران و زحمتکشان را به ورطه مرگ و نابودی می کشاند. در این شرایط موج وسیع اعتراض از سوی اقشار و طبقات مختلف مردم شکل گرفته است. برجسته ترین خودیوژگی لحظه کنونی تلاش اپوزیسیون بورژوازی دولت دست راستی Gloria Arroyo برای بسیج میلیونها کارگر و زحمتکش زیر پرچم خود است. در پاسخ به این تلاشها یکرشته از جریانات چپ و مترقی دست به تشکیل یک ائتلاف مبارزاتی زده و در یک فراخوان مشترک از کارگران و زحمتکشان فیلیپین خواستند که روز ۱۳ ژوئیه را به روز اعتراض علیه شرایط اسفبار زندگی خود بدل کنند. در پاسخ به این فراخوان بیش از ۶۵ هزار نفر در چند شهر این کشور به خیابانها آمدند. در میان معترضین هزاران کارگر حضور داشتند که به مناسبت این روز دست به اعتصاب زده بودند. تظاهرکنندگان خشمگین خیابانهای مرکزی شهر مانیل را به اشغال درآورده و خواهان برکناری رئیس جمهور و دیگر سران فاسد و رشوه خوار دولت شدند.

اعتصاب عمومی چاپکاران هند

روز ۱۱ ژوئیه بیش از ۵۰۰ هزار کارگر چاپکار در منطقه بنگال غربی دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. اواسط سال ۲۰۰۳ مهلت قراردادهای دسته جمعی این کارگران تمام شد، اما در طول ۲۷ ماه گذشته تمام تلاش نمایندگان کارگران برای پیروزی در دور بی پایان مذاکرات با شکست روبرو شده و کارفرمایان تلاش دارند تا خواسته های خود را به کارگران تحمیل کنند. اما کارگران با تمام قوا در مقابل اجحافات سرمایه داران دست به مقاومت زده و نتیجه اینکه این مذاکرات به بن بست رسیده و کارگران راه مبارزه مستقیم با سرمایه داران را انتخاب کردند. سرمایه داران کاهش فروش محصولات خود را بهانه کرده و می خواهند دستمزدها را برحسب میزان تولید بپردازند. کارگران می دانند که این شیوه چیز دیگری جز تحمیل فقر و گرسنگی بیشتر نبوده و به همین دلیل دست به مقاومت زدند. وخامت روزافزون اوضاع اقتصادی و اقدامات خودسرانه صاحبان مزارع شرایط مرگباری را برای کارگران ایجاد کرده است. در پاسخ به این اقدامات کارگران دست به تشکیل گروههای مسلح زده و صدها مزرعه چای در این منطقه را اشغال کردند. کارگران و خانواده هایشان گرسنه اند و در همین مدت بیش از ۱۲۷ کارگر و

صدها نفر از کودکان آنان از فقر و گرسنگی جان خود را از دست دادند. آغاز و گسترش وسیع این اعتصاب، مقامات دولت را به وحشت انداخته و آنها را وادار ساخت با تشکیل کمیسیونی مشترک مرکب از نمایندگان کارگران و سرمایه داران به فکر چاره بیفتند. در همین رابطه روز ۱۸ ژوئیه، دهها هزار کارگر در منطقه بنگال غربی و در همبستگی با چاپکاران دست به یک اعتصاب یکروزه زدند. این اعتصاب یکرشته مراکز دولتی، حمل و نقل شهری و دیگر مراکز اقتصادی را به تعطیل کامل کشاند.

عراق: اعتصاب نفتگران در بصره

روز ۱۲ ژوئیه بیش از ۱۵ هزار نفتگر عراقی در بندر بصره دست به اعتصاب زدند. نفتگران زحمتکش عراق در اسفناک ترین و خطرناک ترین شرایط به کار مشغولند و برغم اینکه روزانه میلیونها دلار نفت خام به کشورهای امپریالیستی صادر می کنند، اما خود در عمق فقر و تنگدستی زندگی می کنند. با این اعتصاب صدور نفت از این کشور کاملاً تعطیل شد. اعتصابیون خواستار افزایش دستمزدها و مزایای خود هستند. مذاکرات اولیه با مقامات وزارت نفت دولت عراق تا کنون به نتیجه نرسیده است. یکی از نکات برجسته اعتصاب نفتگران بصره، اعتراض و مخالفت آشکار آنان با تلاش امپریالیستها مبنی بر خصوصی سازی صنایع نفت عراق است. این کارگران به درستی در قطعنامه یکی از مجامع عمومی خود، با قاطعیت به مقامات دولت هشدار داده و از آنان خواستند که طرح خصوصی سازی صنایع نفت عراق را که حاصلی جز اخراج و بیکاری هزاران کارگر به همراه ندارد را به فراموشی بسپارند. در همبستگی با نفتگران اعتصابی، بیش از ۸ هزار نفتگر پالایشگاههای عمارا و نصیریه نیز اعلام نمودند که در صورت ادامه مخالفت با خواسته های همزنجیران خود در بصره، آنان نیز دست به اعتصاب خواهند زد.

اعتصاب کارگران بافنده در بنگلادش

در پاسخ به فراخوان اتحادیه کارگران بافنده بنگلادش، روز ۱۵ ژوئیه دهها هزار کارگر دست به یک اعتصاب یکروزه زدند. دولت بنگلادش در ماههای اخیر، و به بهانه "زبان دهی" و در واقع تحت فشار موسسات مالی امپریالیستی، دست به تعطیل یکرشته از کارخانجات بافندگی زده و هزاران کارگر را بدون کوچکترین امکان تامین اجتماعی راهی صف میلیونی بیکاران نموده است. علاوه بر این ماهها دستمزد و مزایای دهها هزار کارگر بافنده نیز به بهانه شرایط دشوار اقتصادی پرداخت نشده و تمام این اوضاع شرایط مرگباری را برای کارگران ایجاد نموده است. در این روز در چند شهر، دهها هزار کارگر به خیابان ها آمده و خواستار بازگشایی مجدد کارخانجات تعطیل شده و پرداخت دستمزد های معوقه خود شدند.

اعتصابیون اعلام نمودند که به مبارزات خود تا به آخر ادامه می دهند و هیچ راه برگشتی برای آنان که شاهد فقر و گرسنگی زن و کودکان خود هستند، نیست.

اعتصاب کارگران در تایلند

روز ۱۵ ژوئیه بیش از دو هزار نفر کارگر در شهر بانکوک دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. اعتصابیون از نخستین ساعات بامداد این روز، راههای ارتباطی به ساختمان دولت در یکی از مناطق مرکزی این شهر را مسدود کردند. این کارگران خواستار افزایش حداقل دستمزدهای خود هستند. حداقل دستمزد در مناطق مختلف تایلند متفاوت بوده و این کارگران روزانه نزدیک به ۶ دلار دستمزد دریافت می کنند که به هیچ عنوان کفاف زندگی آنها را نمی دهد. خواست کارگران افزایش دستمزدها به میزان ۹ دلار در روز است. تا کنون مقامات وزارت کار این کشور با خواست کارگران مخالفت کرده و اعلام نمودند که دستمزدها تنها به ۷ دلار در روز افزایش می یابد و نه بیشتر. برغم مقاومت دولت، کارگران مصممند تا پیروزی به مبارزات خود ادامه دهند.

اعتصاب عمومی در پرتغال

در پاسخ به فراخوان جنبه عمومی کارکنان و کارگران دولت در پرتغال، روز ۱۵ ژوئیه صد ها هزار نفر دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. این اعتصاب در مخالفت با کاهش حقوق بازنشستگی، انجماد دستمزدها و افزایش مالیات ها انجام گرفت. این اعتصاب وسیع و گسترده در ادامه مبارزات پرستاران و کارگران خدمات درمانی پرتغال در ماه ژوئن بود، که دهها مرکز درمانی و خدماتی را به تعطیل کشاند و هزاران نفر به خیابانها آمدند و برای رسیدگی به خواسته های خود دست به راه پیمایی و تظاهرات زدند. اعتصاب روز ۱۵ ژوئیه نیز بیش از ۷۰۰ هزار کارگر و کارمند دولت را به خیابانها کشاند. در شهرهای بزرگ پرتغال، خیابان های مرکزی شاهد حضور دهها هزار نفر و برپایی دهها تجمع اعتراضی بود که طی آن به مقامات دولت هشدار داده می شد که مبارزه تا پیروزی کارگران و عقب نشینی دولت ادامه خواهد یافت. در همین حال اعلام شد که روز ۲۸ ژوئیه و زمانی که پارلمان پرتغال لایحه مربوط به افزایش سن بازنشستگی و کاهش حق بیمه های درمانی را مورد بررسی قرار خواهد داد، تظاهراتی برگزار خواهد شد.

کمک مالی

هامبورگ

مازیار

۶۰

یورو

از میان نشریات

ژورنال‌سیم و خیابافی

شماره ۴ نشریه اتحاد سوسیالیستی کارگری، تیزتر نخست خود را به مقاله ای اختصاص داده است تحت عنوان "پیروزی احمدی نژاد، نشانه کدام تحولات؟" به قلم ایرج آذرین:

در میان تحلیلهای سیاسی که جریانات چپ و سوسیالیست از "انتخابات" اخیر رژیم و پیروزی احمدی نژاد ارائه داده اند، این مقاله "بدیع" و "بی بدیل" است. بنابراین ارزش آن را دارد که خوانندگان نشریه کارنیز از چندوچون این مقاله آگاه شوند.

نویسنده ابتدا با اشاره به این واقعیت که "قلب" به خودی خود هیچ تحلیلی از پیروزی احمدی نژاد به دست نمی دهد" می افزاید: "آنچه نیازمند تحلیل است، این است که چهره ای چون رفسنجانی در این مسابقه تقابلی می بازو و احمدی نژاد پیروز از آن در می آید."

لا بد پس از شنیدن این جمله، خواننده انتظار دارد که مقاله نشریه اتحاد سوسیالیستی کارگری تحلیل و نتیجه گیری خود را بر مبنای بررسی شرایط اقتصادی- اجتماعی و سیاسی ایران، مبارزه طبقات، سطح مبارزه توده های کارگر و زحمتکش، وضعیت سیاسی رژیم جمهوری اسلامی با توجه به بحران سیاسی موجود در ایران، انعکاس این بحران در درون هیات حاکمه و بالاخره تأثیراتی که اوضاع سیاسی منطقه خاورمیانه بر فعل و انفعالات سیاسی درون رژیم برجای نهاده، قرار دهد. اما در سراسر این مقاله از این مقولات خبری نیست. آنچه که گفته می شود این است که "در جناح بندیهای رژیم اکنون سپاه پاسداران و بسیج به عنوان یک نیروی مستقل سیاسی عرض اندام کرده و رئیس جمهور تعیین کرده است. " فرضاً" که چنین باشد. حرف جدیدی هم نیست و گروههای طرفدار خاتمی- رفسنجانی از مدتی پیش آنرا مطرح کرده اند. سوال این است که چرا؟! چه اتفاقی رخ داده که چنین شده است. قطعاً باید لافاقل دلالت سیاسی برای این اتفاق وجود داشته باشد. اما خواننده پاسخی برای این سوال نخواهد یافت. نویسنده ادامه می دهد که در ایران یک کودتا رخ داده است، اما این کودتا از نوع کودتاهایی که تاکنون در جهان رخ داده نیست، بلکه از نوع "انتخاباتی" آن است. وی می گوید: "اطلاق لفظ "کودتای انتخاباتی" به عملکرد سپاه پاسداران و بسیج در انتخابات اخیر تاحدود زیادی درست است، اما تا آنجا که پیروزی احمدی نژاد را آغاز یک کودتا از جانب این جناح در حال شکل گیری تلقی کنیم، فرجام این کودتا هنوز ناروشن است."

گویی که در طول دوران حیات جمهوری اسلامی سپاه و بسیج، چاقوکش و اوباش با سیاست و دخالت به نفع این یا آن جناح هیات حاکمه، تقاب و سازمان دهی برای کشاندن مردم به پای صندوقهای رای گیری دخالتی نداشته و تازه اکنون آنها وارد معرکه منازعه جناحها شده و خود جناحی را در مقابل هردو جناح هیات حاکمه و باندهای درون این جناحها تشکیل داده اند.

نویسنده ادامه می دهد و می گوید: "پیروزی احمدی نژاد بیش از آنکه گویای قدرت گیری جناح موجودی از حکومت باشد، بازتاب قطع رابطه جیره خواران و فرمانبرداری قشر اوباش و چاقوکش از دستگاه روحانیت است." این جناح تازه شکل گرفته هیچ قشر و طبقه ای را نمایندگی نمی کند و "پایه اجتماعی ای جز اوباش و چاقوکشهای نهادینه شده در بسیج ندارد و منبع اصلی قدرتش تهدید، خشونت عریان و فراقانونی همین قشر است."

و با این توضیح وظیفه مبرمی که اکنون در برابر دستگاه روحانیت قرار دارد، افسار زدن مجدد بر پوزه اوباشان و چاقوکشهاست و یا آنطور که خود نویسنده می گوید "بازگرداندن قشر اوباش به زیر سیطره روحانیت یک اولویت مطلق دستگاه روحانیت است."

سرانجام نیز آنچه که قرار بود به عنوان تحلیل ارائه شود، با خیابافی های محض، هم در مورد تعیین طول عمر این جناح و هم اشکال مبارزه جناح های رژیم به پایان می رسد.

وی می گوید: "حداکثر عمر جناح جدید در قدرت نمی تواند بیش از دو سال باشد. . . بیشتر محتمل است که درگیری جناح بندی های تازه رژیم با جناح اوباش. . . با بگیر و ببند و خون ریزی خیابانی و ترور متقابل چهره های برجسته جناحها همراه باشد. سرانجام این پروسه با تعیین تکلیف رژیم اسلامی با اوباش و چاقوکش ها و تجدید تعریف نقش ایشان رقم خواهد خورد."

نظری کوتاه به همین نقل قول ها به خوبی نشان می دهد که این به اصطلاح تحلیل چیزی جز یک ژورنال‌سیم پیش پا افتاده نیست. نویسنده بر این عقیده است که با پیروزی احمدی نژاد، دیگر هیچ طبقه ای از نظر سیاسی بر ایران

حکومت نمی کند، بلکه این حکومت، صرفاً حکومت اوباشان و چاقوکش هاست. اینان نه فقط به هیچ طبقه ای متکی نیستند و منافع آن را نمایندگی نمی کنند، بلکه رابطه خود را با دستگاه روحانیت نیز قطع کرده اند.

یک لحظه فرض کنیم که حقیقت همین باشد و تکیه گاه احمدی نژاد و باند او، جمعیت ده دسامبر باشد، در آن صورت، اگر نویسنده می خواست این پدیده را تحلیل کند و از سطح ژورنال‌سیم سطحی و عامیانه فراتر رود، می بایستی زمینه های اجتماعی و سیاسی شکل گیری این پدیده و آن تناسب قوای طبقاتی را که منجر به پیدایش حکومتی و رای طبقات شده است، بررسی می کرد و بر این مبنا نتیجه می گرفت که در ایران یک دولت استثنایی شکل گرفته است. در آن صورت مستثنی از صحت و سقم این ادعا، حداقل می شد بر آن نام تحلیل گذاشت. اما نویسنده مقاله نشریه اتحاد سوسیالیستی کارگری نه با طبقات کار دارد، نه با مبارزه طبقات و نه شرایط سیاسی و تناسب قوای طبقاتی، بلکه گروهی اوباش و چاقوکش مستنثاً از تمام این فاکتورها، اراده کرده اند، رئیس جمهور تعیین کنند و این کار را با یک کودتای انتخاباتی به انجام رسانند. به همین سادگی.

کسی که بخواهد تحلیل اش را صرفاً از نگاه به بالا، هم طبقه حاکم بر ایران و هم بورژوازی بین المللی و سیاست های آن در آورد و کاری به این نداشته باشد که در پائین چه می گذرد، دست آوردش چیزی جز این ژورنال‌سیم سطحی نخواهد بود.

واقعیت اما این است که در طول تمام دوران حاکمیت جمهوری اسلامی، همواره رابطه لایفکی میان مبارزه طبقاتی جاری، اشکال مبارزه توده ای و مراحل اعتلاء جنبش با فعل و انفعالات سیاسی درونی رژیم و تضادهای جناح های آن وجود داشته است. از کنارزدن بازرگان و بنی صدر گرفته تا دوران زمامداری رفسنجانی، از ماجرای به قدرت رسیدن خاتمی و جناح موسوم به اطلاع طلب، تا کنار گذاشتن آنها به عنوان یک پای مهم قدرت، به وضوح می توان این رابطه را یافت و تاکتیک هایی را که هریک برای مقابله با جنبش توده ای و تلاش برای حل یا تخفیف تضادها و بحران هایی که رژیم با آنها دست به گریبان بوده است، به کار برده اند، تشخیص داد. برخلاف نظر کسانی که می پندارند علم شدن خاتمی و جناح موسوم به اطلاع طلب، نتیجه روندی جهانی برای استقرار یک دموکراسی پارلمانی بود، سروکله "اصلاح طلبی" هنگامی در ایران پیدا شد که سیاست های گذشته رژیم با شکست روبرو شده بود و موج وسیع شورش های توده ای اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد به یک تهدید جدی برای جمهوری اسلامی تبدیل شده بود.

"اصلاح طلبی" جناح خاتمی، رسالتی جز این نداشت که به مقابله با موج مبارزه توده ای و اعتلاء دم افزون آن برخیزد و آن را تحت کنترل در آورد. اینان البته در محدوده ای توانستند نقش خود را به عنوان عامل سدکننده در برابر رشد و ارتقاء مبارزه طبقاتی و سوق دادن جنبش توده ای به مسیر مبارزه قانونی ایفا کنند. اما از آن جایی که قادر به حل هیچ یک از تضادهای لاینحل موجود نبودند، پس از گذشت مدتی کوتاه شکست سیاست های خود را برملا کردند و رژیم بار دیگر با بحران هایی تهدید کننده تر از اوایل دهه هفتاد روبرو گردید.

از همین جا یعنی از اواخر دهه هفتاد است که هیات حاکمه در پی راه های دیگری برای مقابله با بحران موجود بر می آید. جناح رقیب خاتمی، دیگر نمی توانست با همان سیاست های گذشته که شکستشان، خاتمی را به جلوی صحنه سیاسی ایران رانده بود و با همان چهره های منفور شناخته شده، آلترناتیوی در برابر شکست اصلاح طلبی ارائه دهد. از این رو با چهره های جدید و اغلب ناشناخته و شعارهای جدیدی که می توانست در میان بخش هایی از توده های فقیر و زحمتکش که سیاست های اقتصادی رفسنجانی و خاتمی آن ها را به ورطه هولناک فقر و گرسنگی سوق داده بود، جذابیتی داشته باشد، به صحنه آمد.

نخست شوراهای اسلامی شهر و روستا را از دست جناح موسوم به اصلاح طلب در آورد و با همین تاکتیک، تعرض خود را برای گرفتن مجلس ارتجاع اسلامی از جناح رقیب ادامه داد. این را هم گرفت. تا این جا گویا هنوز کودتایی رخ نداده است. در حالی که اینان و حامیانشان همان کسانی هستند که در انتخابات ریاست جمهوری، کاندیدایشان احمدی بود.

بدیهی بود که اینان پس از تحویل گرفتن مجلس ارتجاع از جناح رقیب، آن را از آخرین سنگرش که قوه مجریه بود نیز بیرون می رانند. این را طرفداران خود خاتمی نیز مدتها پیش از برگزاری انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری نیز فهمیده بودند. حتی نام فردی که می بایستی رئیس جمهور آتی حکومت اسلامی باشد، از مدتها پیش بر هر دو جناح معلوم بود. نویسنده مقاله اتحاد سوسیالیستی کارگری لافاقل اکنون دیگر می بایست می دانست که جناح رقیب اصلاح طلبان حکومتی که شخص خامنه ای رهبری پشت پرده آن را در در صفحه ۶

ژورنالیسم و خیالبافی

دست دارد، لافاقل دو سال پیش از انتخابات ریاست جمهوری، احمدی نژاد را به عنوان رئیس جمهور خود برگزیده بود و به گفته خودشان، شهردار شدن او هم صرفاً یک دست گرمی برای او بود. شخصی هم که در مجادله با وزیر اطلاعات خاتمی، نماینده احمدی نژاد بود، باهنر است که یکی از سران جناح تحت امر خامنه ای از همان آغاز بوده است. (رجوع شود به نشریه کار - شماره ۴۵۶)

آنچه که در آستانه انتخابات فرمایشی رخ می دهد و حتی در درون جناحی که از مدتها پیش احمدی نژاد را به عنوان رئیس جمهور خود برگزیده بود، تردیدها و تضادهایی پدید می آرد، ورود رفسنجانی بدون اطلاع قبلی به صحنه بود، و الا ماجرا همانند پیروزی بی سروصدای این جناح در مجلس ارتجاع به پایان می رسید و لابد کودتایی هم رخ نمی داد. با این وجود ماجرا به همان شکلی که جناح خامنه ای می خواست پیش رفت و احمدی نژاد رئیس جمهور اعلام شد.

در این جا باید به این نکته نیز اشاره کرد که علاوه بر بحران داخلی و تلاش رژیم برای مهار این بحران با توسل به تاکتیک های جدید، بحرانی تر شدن اوضاع خاورمیانه در پی تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا و انگلیس به عراق، موقعیت این جناح را که خواهان تمرکز هر چه بیشتر قدرت در دستگاه دولتی رژیم جمهوری اسلامی و غلبه بر تضادهای درونی بود تقویت کرد و همراه با آن نقش نیروهای مسلح رژیم، به ویژه سپاه پاسداران و بسیج افزایش یافت. اما این مسئله ربطی به وقوع "کودتای انتخاباتی" ندارد.

اوباش و چاقوکش ها همواره جزئی لاینفک از دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی بوده اند و سپاه و بسیج همواره در انتخابات فرمایشی جمهوری اسلامی به نفع این یا آن جناح هیات حاکمه نقشی فعال ایفا کرده اند. اگر نویسنده مقاله اندکی از نقش سیاسی سپاه و بسیج، علاوه بر نقش نظامی آنها اطلاع می داشت، می دانست که در جریان هر به اصطلاح انتخاباتی در جمهوری اسلامی، بسیج روستاها و بسیج محلات در شهرها به درجه ای کمتر، هم در تقابلهای انتخاباتی و هم در کشاندن مردم به پای صندوق های رای گیری نقش مهمی داشته اند. رهبری آن ها هم در دست سپاه پاسداران بوده است. اکنون نیز هر دوی آنها، تحت رهبری خامنه ای و جناح وی نقش سیاسی بیشتری یافته اند، اما نه در آن حد که گویا رئیس جمهور حکومت اسلامی را آن ها تعیین کرده اند و حتی رابطه خود را با دستگاه روحانیت قطع کرده باشند.

نکته دیگری که نویسنده مقاله نشریه اتحاد سوسیالیستی کارگری بر آن تاکید دارد این است که این جناح نه بورژوازی ایران را نمایندگی می کند و نه برنامه معینی برای دفاع از منافع این طبقه و حفظ نظم موجود دارد، بلکه حکومت اوباش و چاقوکش هاست که می خواهند صرفاً با سرکوب و قهر فرافقانونی حکومت کنند.

این هم چیز دیگری جز ساده اندیشی نویسنده نیست. بالعکس آن ها دقیقاً در شرایطی به نجات بورژوازی ایران برخاسته اند که نئولیبرالیسم اقتصادی یک بار دیگر در ایران با شکست روبرو شده است و طبقه کارگر که در چندین سال گذشته زیر فشار کمرشکن این سیاست، به ورطه فقر و فلاکت هولناکی سوق داده شده است، به مقابله روزافزونی با این سیاست برخاسته و به تهدیدی جدی برای بورژوازی ایران تبدیل شده است. صدها مورد از اعتراضات کارگران در همین چندسال اخیر، روی آوری کارگران به اشکال متنوعی از مبارزات علنی و مستقیم، ارتقاء سطح آگاهی و همبستگی کارگران، همگی به وضوح گویای این واقعیت اند. یکی از اهداف احمدی نژادها دقیقاً تلاش برای مهار همین جنبش است. اما نه صرفاً با توسل به سرکوب، بلکه با یک سیاست اقتصادی معین که نظریه پردازان اقتصادی این جناح، رؤس آن را هم اعلام کرده اند. تعدیل فشار مادی که اکنون برگردان کارگران و زحمت کشان ایران قرار دارد، وعده ای است که از هم اکنون سران این جناح مدام آن را تکرار می کنند. سیاست این جناح در کلیت اش این است که مبارزه توده های مردم ایران را از عرصه سیاسی به عرصه اقتصادی بکشاند تا شاید بدین طریق بتواند بر بحران موجود غلبه کند. این که آیا آن ها اساساً قادرند این سیاست را عملی سازند؟ این که آیا تا کجا حاضرند برای نجات خود به تحقق اندکی از مطالبات اقتصادی و رفاهی توده های زحمت کش تن دهند؟ مسئله دیگری است که خود نیاز به بررسی جداگانه ای دارد. اما این واقعیت به جای خود باقی ست که آن ها با سیاست معینی در این عرصه پیش خواهند آمد.

دقیقاً با شناخت این سیاست و تاکتیک های این جناح است که پیشروان کمونیست طبقه کارگر ایران می توانند با اتخاذ تاکتیک های مناسب، در همان حال که از هر فرصتی برای بهبود وضعیت مادی و معیشتی کارگران

بهره می گیرند، توهم پراکنی های عوام فریبانه به اصطلاح "عدالت خواهانه" ای را که رژیم اکنون می کوشد در میان توده های زحمتکش اشاعه دهد، خنثی کند و به ارتقاء سطح تشکل، مبارزه طبقاتی کارگران و خصلت تعرضی مبارزه آن ها یاری رسانند.

باید این واقعیت برای کارگران ایران روشن باشد که احمدی نژاد و جناحی که او وابسته به آن است، با هر ادعایی که در مورد مدل اقتصادی شان داشته باشند، آن ها در نهایت راه دیگری در پیش ندارند، جز ادامه همان سیاست های اقتصادی شکست خورده رفسنجانی و خاتمی. ولو این که همانند خاتمی در دوره اول ریاست جمهوری اش، برای مدتی ادعای دیگری داشته باشند. و این مسئله دقیقاً از آن روست که اقتصاد ایران به نحو ارگانیک در بازار جهانی سرمایه ادغام شده است و قطعاً هیچ جناح حکومت، نمی تواند سیاستی مجزا از سیاست حاکم بر بازار جهانی سرمایه در پیش گیرد.

نویسنده مقاله نشریه اتحاد سوسیالیستی کارگری، در مورد بازار جهانی و ادغام اقتصادی کشورها و از جمله ایران در این بازار نیز درک درستی ارائه نمی دهد و چنین می پندارد که اولاً ادغام اقتصادی کشورهای سرمایه داری در بازارهای جهانی، همراه با سیاست نئولیبرالیسم اقتصادی انجام می گیرد و ثانیاً- این ادغام، نه ارگانیک بلکه مکانیکی است که مثلاً در جمهوری اسلامی، پیش از زمامداری رفسنجانی قطع شده بود و اکنون هم احمدی نژاد یک بار دیگر می خواهد مانع از این ادغام شود.

با چنین نگرشی است که می گوید: "با آمدن احمدی نژاد... چشم انداز ادغام اقتصادی ایران در بازار جهانی از طریق نزدیکی بیشتر با اقتصاد اروپا تیره می گردد." گویی که اقتصاد ایران در بازار جهانی ادغام نشده و با آمدن احمدی نژاد چشم انداز این ادغام تیره تر شده است. در حالی که اقتصاد ایران از سال ها پیش، حتی قبل از رفورم های رژیم شاه و تسلط شیوه تولید سرمایه داری، در بازار جهانی سرمایه ادغام شده بود و در تقسیم کار این بازار به عنوان تولیدکننده نفت جای گرفته بود. تسلط شیوه تولید سرمایه داری در ایران، به ادغام همه جانبه و ارگانیک اقتصاد ایران در بازار جهانی انجامید. این ادغام تا به امروز ادامه داشته و مادام که سیستم سرمایه داری بر ایران حاکم باشد، راه فراری از این ادغام ارگانیک نیست. خواه خاتمی بر سرکار باشد، یا احمدی نژاد.

بنابراین اینان حتی در عرصه اقتصادی که ادعا می کنند مدل جدیدی سواً مدل اقتصادی رفسنجانی و خاتمی خواهند داشت، کاری از پیش نخواهند برد و لاجرم تضادها را تشدید خواهند کرد. این تشدید تضادها مقدم بر هر چیز، تشدید تضاد میان توده های کارگر و زحمتکش، زنان و جوانان و روشن فکران انقلابی با رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران و نظم موجود است که مانعی بر سر راه تحقق خواست های اقتصادی و سیاسی آن هاست. این تشدید تضادها به معنای بسط و توسعه مبارزه طبقاتی و عمیق تر شدن بحرانی ست که رژیم با آن روبروست.

در واقعیت امر همین تضاد و همین مبارزه طبقاتی ست که تعیین کننده تضادها و شکافهای درونی طبقه حاکم بر ایران و هیات حاکمه است. لذا نه فقط تضاد میان دو جناح هیات حاکمه نیز تشدید خواهد شد، بلکه تضادهای درونی باندها و دستجات جناحی که اکنون به قدرت مسلط تبدیل شده است به ویژه بر سر سیاست های اقتصادی و فرهنگی و ایضا سهم بری از قدرت سیاسی تشدید خواهد شد.

این که تضاد میان جناحی که اکنون به قدرت مسلط در تمام ارگانها و نهادهای دستگاه دولتی تبدیل شده با جناحی که مغلوب شده است، اما با این وجود در سطحی دیگر و پائین تر هنوز بخشی از قدرت است و نیز تضاد میان باندهای درونی به ویژه جناح غالب، در چه شکلی از مبارزه میان آن ها تجلی علنی خواهد یافت، هیچ انسان عاقلی نمی تواند آن را از پیش تعیین کند، آن چه از دیدگاه یک مارکسیست حائز اهمیت است، درک این واقعیت است که از این تضادها و شکاف باید در جهت بسط و گسترش مبارزه طبقاتی و تسریع سرنوشتی رژیم استفاده کرد.

برخلاف نظر نویسنده نشریه اتحاد سوسیالیستی کارگری که می پندارد جمهوری اسلامی از طریق "بگیر و ببند و خون ریزی خیابانی و ترور متقابل چهره های برجسته جناح ها" با جناح "اوباش و چاقوکش ها" تعیین تکلیف نهایی خواهد کرد و همه چیز با "تجدید تعریف نقش ایشان رقم خواهد خورد." و به زبان صریح تر پیش بینی چندسال پیش نویسنده مقاله اگر نتوانست، در دوران خاتمی تحقق یابد، با این خیال باقی ها تحقق خواهد یافت و جمهوری اسلامی در شکل یک نظام سیاسی دموکراتیک و پارلمانی خود را تثبیت خواهد نمود، باید یک بار دیگر بر این واقعیت تاکید نمود که سرنوشت جمهوری اسلامی را نه باندها و جناح های درونی آن بلکه مبارزه توده های کارگر و زحمت کش تعیین خواهد نمود. همان توده های کارگری که هم اکنون به آن درجه از شعور و آگاهی طبقاتی دست یافته اند

ژورنالیسم و خیابانی

که شکست رفسنجانی را با اقدام انقلابی خود در همان روزی که قرار بود وی کاندیداتوری اش را از طریق خانه کارگر به گوش همه برساند، پیشاپیش اعلام نمودند. این واقعیت نیز هم اکنون دیگر بر کسی پوشیده نیست که اگر در انتخابات ریاست جمهوری رژیم، بورژوازی و طبیف وسیعی از خرده بورژوازی به نفع این یا آن جناح در انتخابات فرمایشی شرکت کردند، این اکثریت بزرگ کارگران ایران بودند که آن را تحریم نمودند. این نیروست که در اتحاد با متحدین زحمت کش خود، تکلیف جمهوری اسلامی را یکسره خواهد کرد و آن را به گورستان تاریخ خواهد سپرد.

ادعاهای دیگر نویسنده در مورد تعیین تاریخ حداکثر زمانی که جناح های رژیم باهم تسویه حساب می کنند و یا تعیین شکل این مبارزه که گویا با جنگ های خیابانی و ترور سران جناح ها همراه خواهد بود، سطحی تر از آن هستند که به بررسی آن ها نیاز باشد.

آن چه که در مقاله نشریه اتحاد سوسیالیستی کارگری به عنوان تحلیل از انتخابات اخیر رژیم، پیروزی احمدی نژاد، و پیامدهای آن آمده است، چیزی جز یک ژورنالیسم سطحی بر گرفته از روزنامه ها و سایت های گروه های وابسته به جناح مغلوب رژیم نیست که خیال بافی نویسنده نیز چاشنی آن شده است.

مبارزه طبقاتی و ...

طبقه کارگر تفاوت زیادی بین کار یکنواخت و روزمره ی خارج و داخل خانه نمی بیند. به موقعیت مرد در بیرون از خانه نیز رشکی نمی برد. و اشتیاقی به ملال و فشار عصبی کار در کنار تسه نقاله یا کارخانه اتومبیل سازی ندارد. هما نقدر که بیماری های زنانه هم ذات کار خانگی هستند، بیماری های مردانه نیز بخشی از کارشان می باشد.

خواست فمی نیست ها در برابری با مردان، نابرابری مردان در جامعه سرمایه داری را کتمان می کند. بسا اوقات، برابری مورد نظر آن ها در چارچوب طبقاتی موجود، و برابری برای اقبال بیشتر است.

توضیح:

*- باید توجه داشت که به این مجموعه از اقتدار، دقیقاً نمی توان یک طبقه اطلاق نمود. طبقه مقدم بر هر چیز با استناد به تضاد و ستیزش با طبقات دیگر تعریف می شود. همان گونه که مارکس و انگلس می گویند: افراد تنها تا جایی می توانند یک طبقه را تشکیل دهند که به نبردی مشترک علیه طبقه ای دیگر برخیزند. (ایدئولوژی آلمانی- مارکس، انگلس) با در نظر داشتن این ملاحظات، ما "طبقه متوسط" را در اینجا به کار می بریم، چون واژه مناسبتری پیدا نکردیم.

خلاصه ای از اطلاعیه ها و بیانیه های سازمان

" اقدام جنایت کارانه جمهوری اسلامی را محکوم می کنیم" عنوان اطلاعیه ای ست که سازمان در تاریخ ۲۳ تیرماه انتشار داد. در این اطلاعیه آمده است که پنج روز پس از ترور یکی از جوانان مخالف رژیم، اعتراضات مردم زحمتکش مهبادعلیه اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد.

شوانه قادری، روز ۱۸ تیرماه توسط مزدوران رژیم به گلوله بسته شد و سپس در زیر شکنجه جان باخت.

مردم مهباد در اعتراض به این اقدام وحشیانه و جنایت کارانه دست به تظاهرات زدند و علیه رژیم شعار دادند.

اطلاعیه می افزاید که این مبارزات طی چندروز گذشته گسترش یافته و به رغم اقدامات سرکوب گرانه نیروهای مسلح رژیم، شورش و اعتراض ادامه دارد.

تاکنون ده ها تن از مردم مهباد مصدوم و ده ها تن دیگر دستگیر و روانه بازداشت گاه شده اند. اطلاعیه سازمان، در پایان، ترور شوانه قادری و تمامی اقدامات سرکوب گرانه رژیم را علیه مردم مهباد قویاً محکوم کرده است.

" اعتصابات کارگری در حال گسترش است" عنوان اطلاعیه دیگری ست که در ۲۶ تیرماه انتشار یافت.

این اطلاعیه خبر از اعتصاب ۷۰۰ کارگر شرکت "سکوسازان" بوشهر می دهد که خواهان پرداخت دستمزدهای معوقه و دیگر مطالبات خود شده اند.

هم زمان با این اعتصاب، ۶۰۰ تن از کارگران سد " رئیس علی دلواری" بوشهر نیز در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه حقوق خود دست به اعتصاب زدند.

اطلاعیه، همچنین خبر از اعتصاب ۳۰۰ کارگر "شرکت کشت و صنعت گوهرکوه" خاش در سیستان و بلوچستان داده است که از اول سال جاری دستمزد خود را دریافت نکرده و عیدی و پاداش سال ۸۳ کارگران نیز پرداخت نشده است.

اطلاعیه سازمان، از مطالبات و مبارزه این کارگران حمایت نموده و خواهان پرداخت به موقع دستمزدها، توقف اخراج ها، برچیده شدن شرکت های پیمانکاری و لغو قراردادهای موقت شده است.

در اول مردادماه سازمان با صدور اطلاعیه ای، خبر از ادامه راهپیمایی کارگران نساجی کاشان و اعتصاب کارگران " فولادکار" نیشابور، داد.

در این اطلاعیه آمده است که صدها تن از کارگران ریسندگی و بافندگی کاشان که از چندروز پیش یک راهپیمایی دستجمعی را به سمت تهران آغاز کرده بودند، وارد بهشت زهرا در تهران شدند. اعتراض کارگران ریسندگی و بافندگی کاشان به عدم پرداخت دستمزدشان به مدتی منجر از یک سال است.

اطلاعیه سپس به نقل از ایلتا می افزاید که اعتصاب کارگران پیمانکاری " فولادکار" نیشابور که از ۲۵ تیر آغاز شد، همچنان ادامه دارد.

۱۵۰ کارگر اعتصابی این شرکت علاوه بر اعتراض به اخراج تعدادی از رفقای کارگر خود، به عدم پرداخت حقوق و مزایای قانونی خود و از جمله عیدی و پاداش نیز معترض هستند.

در پایان اطلاعیه، سازمان از اعتصابات و اعتراضات کارگران نساجی کاشان و کارگران " فولادکار" حمایت نموده و خواستار تحقق فوری مطالبات آن ها شده است.

درگیری حاشیه نشینان تهران با ماموران شهرداری

به دلیل ساخت و ساز خانه در محدوده ی منطقه ۱۵ تهران، در روز ۲۸ تیر میان مردم و ماموران شهرداری درگیری رخ داد که منجر به مجروح شدن تعدادی از طرف شد. در این میان مردم یک خودرو ماموران شهرداری را به آتش کشیدند. درگیری در ساعت ۱۵ با دخالت نیروی انتظامی به پایان رسید.

تجمع ساکنان شهرک توحید ارومیه

جمعی از اهالی شهرک توحید ارومیه در اعتراض به وضعیت شهرک از جمله نداشتن آب و برق در برابر استانداری تجمع کردند. این در حالی است که اهالی فوق تمام هزینه های مربوطه را پرداخت کرده اند.

تجمع پرستاران بیمارستان سینا

پرستاران بیمارستان سینا در اعتراض به تبعیض در حقوق و کارانه بین پزشکان و پرستاران و هیات امنایی کردن دانشگاه ها در تاریخ ۳ مرداد در مقابل دفتر ریاست بیمارستان تجمع کردند.

روز قبل نیز پرستاران بیمارستان خمینی نیز به دلایل مشابه دست به تجمع زده بودند. یکی از تجمع کنندگان بیمارستان خمینی گفت: تبعیض در سیستم بهداشت و درمان وحشتناک است و در برخی بخش ها یک پرستار وظیفه خدمت به ۱۸

بیمار را دارد، بی آن که از حداقل حقوق مادی خود بهره مند باشد.

حوادث ناشی از کار

- به علت انفجار در معدن ذغال سنگ "طرزله" در شهرستان دامغان ۶ نفر از کارگران و ماموران امداد رسانی جانباخته و حدود ۴۰ نفر به شدت زخمی شده و در بیمارستان بستری شدند. این شرکت وابسته به شرکت ذغال سنگ البرز شرقی می باشد.

- یک کارگر شرکت "خوراک دام" نیشابور در حالی که در شیفت شب مشغول کار بود، طی سانحه ای جان خود را از دست داد. این کارگر علیرغم سه سال کار مستمر در شرکت فوق، هیچ پرداختی بابت حق بیمه در سازمان تأمین اجتماعی ندارد.

- یک کارگر در شهرستان تفرش در روز ۲۹ تیر در حال کار با دستگاه بتون ریزی دچار برق گرفتگی شده و جانش را از دست داد.

- ۳ کارگر در شهرستان بناب روز ۳۱ تیر جهت تعمیر موتور برق به داخل چاه می روند که به علت گاز گرفتگی هرسه جانشان را از دست می دهند.

- به علت گاز گرفتگی چهار کارگر معدن ذغال سنگ "هجک" از توابع شهرستان راور کرمان جان باختند.

زنده باد سوسیالیسم

مبارزه طبقاتی ورهائی زنان (۵۳)

بلاواسطه خود و احتمالاً کارگران را تحت کنترل دارد.

اما همه کارگران یقه سفید به طبقه متوسط جدید تعلق ندارند. همان گونه که بریورمن در کتاب "نیروی کار و سرمایه انحصاری" نشان می دهد، شرایط کار و دستمزد انبوهی از کارگران یقه سفید - اکثرآ زنان شاغل در ادارات - همانند شرایط کار و دستمزد کارگران دستی است. رابطه آن ها با ابزار تولید مشابه رابطه کارگران یدی با ابزار تولید است و کارفرمایان هر دو می کوشند دستمزدها را کاهش و بارآوری را افزایش دهند. بسیاری از افرادی که به مشاغل یقه سفید می پیوندند جوانانی هستند که والدین شان، کارگران یدی بوده اند.

طبق یک ارزیابی در ایالات متحده، طبقه متوسط جدید ۲۰-۲۵ درصد جمعیت را تشکیل می دهد، در حالی که طبقه کارگر ۶۵-۷۰ درصد، طبقه متوسط قدیمی (نظیر مغازه داران، صنعتگران و کشاورزان) ۱۰-۸ درصد و طبقه حاکم ۱-۲ درصد جمعیت را.

طبقه متوسط جدید، نظیر طبقه قدیمی خرده بورژوازی، خود را تحت سلطه سرمایه می یابد، اما در جایگاهی برتر از طبقه کارگر و شکاف عمیقی این دو طبقه را از هم جدا می کند. درصد بسیار ناچیزی از فرزندان کارگران، متخصص می شوند؛ برای مثال، در آمریکا تنها ۸/۱ درصد پسران کارگران و فقط ۸/۰ درصد مردان این طبقه به مشاغل آزاد می پردازند.

طبقه متوسط جدید با طبقه کارگر تفاوت های فرهنگی نیز دارد. اعضای آن، تحصیل کرده هستند و سبک زندگی و مصرف مشابهی دارند. ازدواج "رو به پایین" با اعضای طبقه کارگر یا "رو به بالا" با اعضای طبقه حاکم، در درون این طبقه مواردی نسبتاً استثنایی هستند.

طبقه متوسط جدید، طبقه ای همگون نیست بخش های متفاوت آن، برحسب فشار وارد بر آن ها، گاهی به طبقه کارگر و گاهی به طبقه سرمایه دار گرایش می یابند. برای نمونه، فشار از هر دو سو، بسیاری را به سازمان دهی خود در سازمان های صنفی یا اتحادیه ها و می دارد.؛ این فشار ممکن است از بالا باشد، نظیر افزایش فشار کار بر استادان دانشگاه ها و پلی تکنیک ها؛ یا از پایین، نظیر هنگامی که کارگران کم درآمد، دستمزد خود را به زیان دستمزد مدیران، اندکی بالا می برند.

طبقه کارگر بیشتر با این طبقه سر و کار دارد و اغلب مورد ایذا و اذیت و توهین اعضای طبقه متوسط جدید قرار می گیرد و از این رو از این طبقه بیش از طبقه حاکم بیزار است. در عین حال، طبقه متوسط جدید، حتا آن اعضای که با طبقه کارگر ارتباطی ندارند، روز به روز با سرمایه داری بیگانه تر می گردند. به گفته شیمانسکی:

«در واقعیت، دانشمندان، به علت سرمایه لازم جهت تحقیقات و راستای کارشان، قادر نیستند

موضوع تحقیق یا موارد استفاده از آن را خود تعیین کنند؛ استادان دانشگاه شدیداً تحت فشار هستند تا دانشجویانی هر چه کمتر منتقد به سیستم، آموزش دهند؛ مددکاران اجتماعی واداشته می شوند، نقش پلیس را ایفا کنند؛ معماران باید هیولواراه هایی را طراحی کنند که فرو می ریزند و کارخانه هایی را که محیط زیست را می آلاینند...»

هم مردان و هم زنان این طبقه متوسط جدید دچار از خود بیگانگی هستند. اما زنان، به علت تبعیض جنسی که مانع پیشرفت و ترقی آنان در اجتماع می گردد، در مقایسه با مردان، دو چندان. به این ترتیب ۱۹ درصد کل زنان فارغ التحصیل کالج و ۷ درصد مدارج عالی تر تحصیلی، به عنوان کارمند، فروشنده، کارگر بخش خدمات یا کارخانه استخدام می شوند. اعتبار اجتماعی و مشاغل پرسود در رشته های تخصصی و تجاری در انحصار مردان قرار دارد.

کالج و محیط دانشگاهی، علاوه بر آن که در زنان انتظار تساوی شغلی با مردان را پدید می آورد، فرصتی نیز برای روابط شخصی جدید و فارغ از کنترل خانواده را عرضه می کند، که بسیاری از آن ها را به تفکر درباره نقش خود در ساختار خانواده سنتی برمی انگیزد. این زنان دیگر از خانه پدرو به خانه شوهر نمی روند. آن ها ابتدا به کالج می روند، یعنی جایی که روابط برابرتری وجود دارد.

به طور کلی، زنان تحصیل کرده نسبت به سایر زنان انتظارات بیشتری دارند و فرصت های کمتری برای تحقق آن ها. این زنان متخصص، به ویژه در رشته های تحت سلطه مردان، "محرومیت نسبی" شان، به همان اندازه ی حقوق های نسبتاً پایین ترشان، ملموس است. معاون رئیس جمهوری آمریکا، آدلای ستیونس در سال ۱۹۵۵ درباره زنان خانه دار تحصیل کرده گفت: «آن ها، زمانی شعر می نوشتند و اکنون لیست خرید را.» او گفت، زنان طبقه متوسط می توانند بر فقدان "اینشتین ها، شوابیترها، روزولت ها، ادیسون ها، فوردها، فرنیس ها و فروست های" مؤثت بگریند.

طبقه کارگر تجربه ای کاملاً متفاوت دارد. مردان و زنان این طبقه فرصت چندانی برای پرداختن به زندگی روشنفکرانه ندارند و دچار یکنواختی و ملال روزمرگی هستند. زنان طبقه کارگر تصور دیگری از برابری زن و مرد دارند. یک تاپیست، فروشنده مغازه، نظافت چی یا زن شاغل در رشته های مشابه و یکنواخت دیگر و فاقد امید به پیشرفت، تمایل یک زن متخصص، به برابری شغلی با مردان را درک نمی کند؛ آن تمایلی که "ارزش ذاتی کار" را پیش فرض خود قرار می دهد. زنان طبقه کارگر اکثرآ و عمدتاً به یک دلیل کار می کنند: کسب پول. شغل آن ها، حاصل دیگری برایشان ندارد. برای زن متخصص، اشتغال به امور روزمره خانگی، که ربطی با تخصص اش ندارد، یأس آور است. زن

در صفحه ۷



برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

آلمان
K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

دانمارک
I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A. A. A
MBE 265
23, Rue Lecourbe
75015 Paris France

کانادا
K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7 Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.

I. W. A
6932641 Postbank
HOLLAND

شماره های فکس ۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹
سازمان فداییان ۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲
۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱ (اقلیت)

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaian-minority.org

تلفن روابط عمومی سازمان فدائیان (اقلیت):

۰۰۴۹-۱۷۶-۲۸۰۲۰۸۹۷

KAR

Organization Of Fedaians (Minority)
No. 457 juli 2005

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی